

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: داکتر لعلزاد بلوچ
۲۰ اکتوبر ۲۰۱۵

بلوچستان دارای زنده ترین و پیشرفته ترین تمدن جهان

بلوچستان برخوردار از تمدنی با قدمتی بیش از شش هزار سال یکی از کهن ترین تمدنهای زنده در جهان بوده و با وجود آثار تاریخی "شهر سوخته" و تمدن "جیرفت" یکی از کهن ترین و برخوردار از پیشرفته ترین تمدنها در جهان بوده است.

آنچه در آثار باستانی شهر سوخته و تمدن جیرفت کشف گشته بلوچستان را صاحب پیشرفته ترین تمدن ها قرار داده است.

شاید یک سؤال برای خواننده القاء شود که چرا تمدن جیرفت را شامل بلوچستان می دانیم. باید بدانیم که جیرفت ، بم و بسیاری دیگر از جغرافیای کرمان متعلق به بلوچستان می باشد که طی یک برنامه استعماری پس از اشغال بلوچستان توسط حکومت پارسها با همراهی دولت انگلیس، قسمتهایی از بلوچستان تجزیه و جدا شدند که معادل بیش از یک سوم خاک فعلی بلوچستان می باشند و به کرمان هرمزگان و خراسان طی پروسه ای خاننازه الحاق گشتند. و از این بابت است که جیرفت باید بدانیم که نامش برگرفته از کلمه اصلاح شده جیندرُپت می باشد که بعدها به جیرفت تغییر نام پیدا کرد.

جیند نام یکی از سرداران بلوچ بوده که در آن زمانها همیشه برای مال جنگی به این منطقه از بلوچستان که آباد بوده یورش می برده و اموال و احشام مردم این خطه از بلوچستان را به غارت می برده است. بنا بر این نام این منطقه در آن زمان **جیند رُپت** بوده (یعنی منطقه ای مشهور جیند خان) و رُپت کلمه معادل فارسی آن جارو کردن و بردن است. بعدها نام این شهر تاریخی همانگونه که نام بسیاری از شهرهای بلوچستان هویت زدائی شد نام این شهر تاریخی بلوچستان نیز به جیرفت تغییر نام پیدا کرد.

بلوچستان چرا باید تاریخ و قدمتش دستخوش تغییر و سرزمینی بی هویت باشد و چرا باید نسل امروزی اش غافل از حقیقت دیروزی اش باشد.

باید بدانیم که استعمارگران با توجه به خلق و خوی این ملت برنامه های استعماری خویش را در چارچوب برنامه ها و سیاستهای بلند مدت طرح ریزی و اجراء نمودند تا به امروز رسیدیم که فرزند بلوچ خود را اصلاً و نسباً ایرانی می پندارد و از بلوچستان به همان اندازه شناخت دارد که یک تهرانی و یا زنجانی و اصفهانی شناخت دارد.

می پذیریم که اصل استعمار بر بیگانگی با هویت و تاریخ ملت‌ها بنا نهاده شده اما اگر ملتی پس از قرن‌ها اسناد واقعی پیرامون هویت واقعی اش را بیابد در حقیقت قدم به سوی شکستن زنجیرهای بردگی خواهد گذاشت.

استعمارگران این ملت و سرزمین به خوبی به این واقف بودند که بلوچ ملتی آزادپسند است و این آزاد پسندی هرگز از آنها ملتی محکوم و مسکوت نمی سازد.

بلوچ نه حکومت دیگران را بر خود می پسندد و نه برده نمودن ملتی دیگر را می خواهد تا بر آنها حکومت کند. آنها واقف بر این بودند که بلوچ آزاد زندگی کردن را پسندیده و برای دیگران نیز اجازه این نوع زندگی را می خواسته است و تاریخ این ملت گویای این حقایق است.

در تاریخ پر افتخار این ملت هرگز برگی از خیانت و به برده کشیدن ملتی دیگر وجود ندارد بلکه به عکس تاریخ بلوچ سرشار از غیرت و شجاعت و آزاد اندیشی وی بوده و همیشه با مرام و مردانگی که داشته در صدد نجات و کمک همسایه گانش بوده است.

با شناختی که استعمارگران از این ملت داشتند در صدد آن برآمدند که اولین گام پس از استعمار نابودی هویت تاریخی آنان است به طوری که نسل های آینده بلوچ غافل از حقیقت تاریخی خود گردند.

و الا چه ضرورتی بود که جیندرپت به جیرفت و حسین آباد به زابل و دزآب به زاهدان و شستون به سراوان و گه به نیکشهر و پهره به ایرانشهر و تمدن کلی بلوچستان از بلوچستان به سیستان تغییر نام یابد(در صورتی که سیستان سرزمینی جدا از بلوچستان نبوده و بخشی از خاک پر گهر بلوچستان بوده است).

(و اما قومی به نام زابلی که امروز بر بلوچستان حکومت می کند عده ای کولی بودند که در زمان رضاشاه به بلوچستان تبعید گشتند و با توجه به غفلت ملت بلوچ و بی توجهی آنان نسبت به تاریخ و قدمت و ارزش تاریخی شان امروز خود را با جمعیتی دویست و پنجاه هزار نفری، قدمتی پنج و شش هزار ساله داده اند) و این جمعیت خود گویای حقیقتی کاذب بر قدمتی هزاران ساله است (و فرزند بلوچ چون تاریخ ملت و سرزمینش را فراموش کرده و امانده در وادی گمنامی است و احساس غربت می کند در خاک مادری اش) و در تاریخ و جغرافیا از این سرزمین تاریخی آثاری به ثبت نرسد و هیچ گاه از داستانهای استعمارگریبر یادی نشود.

این را می پذیریم که تاریخ بلوچستانی به صورت جامع و کامل وجود ندارد و به صورت جسته و گریخته ثبت شده است اما آثار تاریخی این ملت و آثار ثبت شده ای که در تاریخ و متون دیگر تمدنها وجود دارد و چون آیتها و نشانه هائی دال بر اقرار به تمدن و تاریخ با عظمت بلوچستان دارند و تاریخ زنده ای که سینه به سینه در بین ملت بلوچ وجود داشته و دارد و هنر و فرهنگ و زبان غنی که دارد آیا این معنا نیست که ملتی متمایز از پارسهاست و به همسان سایر ملت‌ها می باشد.

برای زبان بلوچی به همین اندازه کافی است که زبان شناسان اروپائی اذعان نمودند که زبان بلوچی زبانی بی مثل در دنیا است به طوری که غنی از کلماتی است که هنوز در شناخت و معانی بسیاری از کلماتش زبان شناسان متحیر مانده اند. زبان بلوچی گویا کتابی است از پند و نصیحت و احساسات بزرگوارانه و در این زبان الفاظ زشت و رکیک به مثال قطره هائی است بر دریا، و همیشه امر و نهی و تنبیه کلماتی آن، به صورت ضرب المثل هائی است که وزن سنگین این زبان را می رساند. این زبان است که با وجودی که در محاصره و استعمار قرار دارد هرگز هضم نشده و همچنان زنده است. با وجودی که هیچ گونه برنامه ای برای تعلیم و تدوین کلی آن وجود نداشته است و علت این که تاریخ این ملت زنده است به علت این بوده که این ملت، ملتی همیشه در ستیز بوده و هرگز در طول هزاران سال به درازای یک

سال بهره آرامش نداشته و همیشه مورد تاخت و تاز ابرقدرتان و مستبدان بوده و اما هرگز شکست را نپذیرفته است. و این تاریخ نسل به نسل سینه به سینه انتقال داده می شده است.

با شناختی که استعمارگران از مطالعه تاریخ با عظمت بلوچستان به دست آوردند اولین برنامه استعماری آنان بیگانگی این ملت با هویت و تاریخشان می باشد.

برای پرداختن به این موضوع دستها از نگارش باز نخواهد ماند اما برای فرزند بلوچ کافی است که به هویت تاریخی خویش برگردد و زندگی تحت ستم را به دوران آزادیپسندی اش برگرداند. و امروز برای مبارزه ای در چارچوب رسیدن به حق خودمختاری اش در جغرافیای ایران بیندیشد.

بلوچستان باید به حق خودمختاری خود برسد تا بتواند یکی از نشانه های خداوند در زمین را که همان ملیت و هویت و زبان و فرهنگش می باشد، حفظ نماید و همچنین از منابع و سرمایه های خدادادی اش براساس نیاز امروز و نسل های فردایش بهره برداری کند تا از موقعیت تحت ستم و فقر و تبعیض نجات حاصل نماید.

و عرق زحمت و قطره خونس برای آبادانی ملت و سرزمینش بر فرش زمین مادری اش بریزد.

محمود بلوچ

(بشکریه: جنبش دیموکراتیک بلوچستان)

یادداشت:

از آن جایی که ملیت "بلوچ" با تمام عظمت گذشته اش که بیشتر محل تبارز آن مدنیت در افغانستان کنونی موقعیت دارد، امروز در سه کشور افغانستان، ایران و پاکستان به مثابه یک اقلیت تحت ستم حیات به سر می برند، لذا از دید ما، با تمام اعتقاد و احترامی که به حق تخطی ناپذیر "حق ملل در تعیین سرنوشت" شان داریم، وقتی حل مسأله در ساحه "خود مختاری در چوکات جغرافیای ایران" مطرح باشد، واضح است که از طرف ما چنان حالتی برای کل بلوچها در هر سه کشور اسکان یافته، فاقد پشتوانه علمی و تاریخی شمرده شده نمی تواند مورد تأیید ما قرار گیرد.

اداره پورتال AA-AA